ارزشیابی دوره آموزشی معاینات بالینی دانشجویان فوریت‌های پزشکی پیش‌بیمارستانی با استفاده از الگوی ارزشیابی سیمایی استیک

نویسندگان:

دکتر ایوب اکبری، دکتر زهرا آموزشی، دکتر محمد عظیم محمودی، رسول سلیمانی مقدم، حمید نظری

مقدمه:

ارزشیابی آموزشی به‌ویژه در آموزش بالینی و مهارت‌محور، نقشی حیاتی در بهبود کیفیت و اثربخشی برنامه‌های درسی ایفا می‌کند. با این حال، روش‌های رایج غالباً ذهنی بوده و قادر به سنجش دقیق مهارت‌های عملی و پیامدهای یادگیری نیستند. این چالش در رشته‌های حساسی مانند فوریت‌های پزشکی پیش‌بیمارستانی که نیازمند تلفیق مؤثر دانش نظری و عمل بالینی هستند، می‌تواند پیامدهای مهمی داشته باشد. الگوی ارزشیابی سیمایی استیک با تمرکز بر چهار مؤلفه زمینه، درونداد، فرآیند و برونداد، چارچوبی جامع برای تحلیل نظام‌مند برنامه‌های آموزشی فراهم می‌آورد. این مطالعه با هدف ارزشیابی دوره معاینات بالینی دانشجویان فوریت‌های پزشکی و پرستاری با استفاده از این الگو و از دیدگاه ذی‌نفعان اصلی (اساتید و دانشجویان) طراحی شد.

روش کار:

این مطالعه به صورت توصیفی–مقطعی در نیمسال‌های دوم تحصیلی ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه اساتید دخیل در تدریس و ارزشیابی درس (۵ نفر) و دانشجویان مقطع ناپیوسته فوریت‌های پزشکی و پرستاری (۴۵ نفر) بود که نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام گرفت. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس الگوی استیک بود که روایی محتوایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۹۵ محاسبه شد. این پرسشنامه سه بعد اصلی را ارزیابی می‌کرد: ۱. شرایط و نیازهای پیش از اجرا (۸ گویه)، ۲. فرآیند اجرا (۱۰ گویه)، ۳. نتایج و تأثیرات (۶ گویه). داده‌های کیفی از اساتید نیز از طریق مشاهده و مصاحبه جمع‌آوری گردید. تحلیل داده‌های کمّی با نرم‌افزار SPSS 26و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام شد.

نتایج:

نتایج کمّی حاصل از دیدگاه دانشجویان (n=45)نشان‌دهنده رضایت کلی بالا (۸۶.۷٪) از برنامه بود. در مؤلفه زمینه و درونداد، وضوح برنامه در شاخص‌هایی مانند «نحوه ارزشیابی پایانی» (۹۱.۱٪)، «روش تدریس» (۸۸.۹٪) و «اهداف» (۸۸.۹٪) موافق ، به عنوان نقاط قوت برجسته شناسایی شد. با این حال، کفایت منابع (با ۲۴.۴٪ نظر خنثی و ۶.۷٪ مخالف) و نیازسنجی اولیه (۲۰٪ نظر منفی/خنثی) به عنوان حوزه‌های نیازمند بهبود مطرح شدند. در مؤلفه فرآیند، کیفیت تعامل استاد و دانشجو با بالاترین امتیاز (۹۱.۱٪ موافق)، تناسب روش تدریس با اهداف (۹۱.۱٪)و ارتباط درس با حرفه آینده (۸۸.۹٪) نقاط قوت اصلی اجرای دوره بودند. در مؤلفه برونداد، قابلیت به‌کارگیری آموخته‌ها در محیط کار (۸۶.۷٪) و تلفیق نظریه و عمل (۸۸.۹٪) دستاوردهای کلیدی دوره ارزیابی شدند. از دیدگاه کیفی اساتید، تلفیق روش کلاس وارونه و آزمون آسکی (OSCE) همراه با جو آموزشی مشارکتی، به توانمندسازی دانشجویان و تسهیل انتقال مؤثر یادگیری به محیط واقعی مراقبت منجر شده بود.

نتیجه‌گیری:

ارزشیابی مبتنی بر الگوی جامع سیمایی استیک، تصویری روشن و چندبعدی از کیفیت برنامه آموزشی ارائه داد. این مطالعه نشان می‌دهد که برنامه معاینات بالینی با تکیه بر اجرای قوی، تعامل مؤثر و شفافیت بالا در دستیابی به اهداف مهارتی و رضایت شرکت‌کنندگان موفق بوده است. یافته‌ها الگویی عملی برای بازنگری و ارتقای برنامه‌های آموزشی مشابه در حیطه آموزش علوم پزشکی فراهم می‌کند. برای تثبیت و تعمیم نتایج، انجام مطالعات طولی‌مدت و کاربرد این الگو در سایر مراکز آموزشی پیشنهاد می‌شود. تمرکز بر بهبود تأمین منابع، بازنگری در فرآیند نیازسنجی و افزایش جذابیت ارائه محتوا می‌تواند گام بعدی در توسعه کیفی این دوره باشد